

# در روز اعتراض جهانی به مجازات اعدام

## اعتراض به اعدام ملت و کشور عراق را فراموش نکنیم

(فریادی از سرِ درد)

تراب حق شناس

خواست لغو مجازات اعدام که ویکتورهگو و مارکس در قرن نوزدهم از پیشقراولانش بودند خواستی انسانی، مترقیانه، مدرن و قابل دفاع است؛ اما وقتی ابعاد کشتار و اعدام به حجم يك ملت و کشور می‌رسد خواست لغو آن به مراتب قابل دفاع تر و مهم تر است. درباره اعدام ملت ها نیز چیزی باید گفت!

آیا باید خیلی هوشمند بود تا وضع غیرقابل توصیف نابودی يك ملت و دستاوردهای آن را زیر بمباران و اشغال آمریکا و متحدانش دریافت؟ کارشناسان ملل متحد که وضعیت عراق را در سال ۱۹۹۱ در پی تهاجم و تجاوز بوش پدر بررسی کردند گفتند این کشور را که دست کم در زمینه بهداشت و درمان با اسپانیا قابل مقایسه بوده پنجاه سال به عقب رانده اند! (\*) از آن پس، ۱۰ سال، یعنی تمام دهه ۱۹۹۰، این کشور و ملت، به ویژه توده های ستمدیده اش، در حالی که از دیکتاتوری و جنگ های صدام حسین خسته شده بودند، تازه مشمول بایکوت و محاصره اقتصادی و بمباران های مستمر و روزانه هواپیماهای آمریکایی و انگلیسی شدند تا نوبت به بوش پسر رسید. آنگاه طرحی را که برای اشغال چاه های نفت خاور میانه (\*\*\*) و درهم شکستن قدرتی که ممکن بود در برابر اسرائیل قد علم کند، کشیده بودند آغاز شد و تا کنون منجر به کشتار بی حساب مردم، دامن زدن به تفرقه های طائفی و قبیله‌ای، غارت موزه ها، به آتش کشیدن کتابخانه ها و وارد آمدن آسیب های جدی به دستاوردهای تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و در يك کلام انسانی مردم عراق شده است. قریب چهار میلیون از مردم عراق آواره شده اند، یعنی به طور نسبی دو سه برابر شمار آوارگان ایرانی سی سال گذشته، که وضعشان به مراتب بدتر از ایرانی ها است. گویزهای کاخ سفید و بوق های تبلیغاتی جهانی شده شان چنان "جهنم را بهشت و بهشت را جهنم" نشان داده اند و چنان "اندیشه واحد" محافظه کاران آمریکایی و صهیونیستی را در سراسر جهان حاکم کرده اند که کسی را یارای اندیشیدن به گونه ای دیگر نیست تا با صدای بلند تجاوز به اصطلاح "جامعه جهانی" را محکوم کند و به یاری مردم عراق که در این دوزخ ساخت آمریکا Made in USA می سوزند بشتابد.

طی يك قرن گذشته، هر زمان ملتی در معرض تهاجم نیروهای استعماری و امپریالیستی (از هر نوع) قرار می گرفت، از بسیاری جاها فریاد اعتراض بر می خاست و به یاری ستمدیدگان و مقاومتران می شتافتند. وقتی ستار خان طی نامه ای به روزنامه لوماتن Le Matin پاریس، از نیروهای آزادیخواه فرانسه کمک می خواست صدائی به حمایت از مشروطه خواهان بلند می شد. جریان حمایت از نیروهای مترقی و استقلال طلب مستعمرات را همه شنیده و به یاد داریم: حمایت از الجزایر، ویتنام، اندونزی، مصر، آفریقای جنوبی، فلسطین، ایران، آمریکای لاتین و غیره را نمی توان فراموش کرد. چنان که حمایت از یهودیان قربانی فاشیسم را کسی نمی تواند فراموش کند.

اکنون چه شده است که کمتر صدائی به حمایت از مردم عراق که به حق در معرض نسل کشی قرار دارند بلند می شود؟ حق تعیین سرنوشت و استقلال ملت ها که در واقع جزئی از حقوق بشر است آشکارا و با بی شرمی کامل در سنای آمریکا نقض می شود و سناتورهای دموکرات و جمهوری خواه، این نمایندگان سرمایه داری وحشی مسلط بر جهان، رسماً عراق را سه تکه می خواهند و این را شرط عقب کشیدن آدمکشان شان می دانند که به عراق گسیل داشته اند.

آنها از روزی که به عراق تجاوز کردند دیگر انسان عراقی را به مثابه شهروند به رسمیت نشناختند، بلکه آنها را سنی، شیعه یا کرد نامیدند و تقسیمات قبیلی را دامن زدند. با انفجار بمب به کمک دستگاه های هدایت از دور در وسط جمعیت بازار یا مسجد، و تقصیر آن را به گردن یکی از طوایف مذهبی انداختن بذر تفرقه و سوء ظن و نفرت از یکدیگر را هرچه بیشتر پاشیدند و دیو طایفه گری مذهبی و قبیلی را از شیشه بیرون آوردند و نه تنها عراق، بلکه تمام منطقهء خاور میانه را - که هنوز رسوب های قرون وسطائی را از خود نزوده - به پرتگاه جنگ داخلی کشاندند. داستان مأمورین انگلیسی را که به یک مسجد شیعی در بصره بمب انداختند و سپس به مقر نیروهای انگلیسی فرار کردند خیلی ها شنیده اند. وقتی فتنه پیا شد، دیگر کسی نمی تواند از وخامت اوضاع جلوگیری کند و تجاوزگران با نقشه ای که در سر داشتند همین را می خواستند.

در برابر سیاست امپریالیستی بوش که "دموکراسی" را با بمباران و شکنجه های ابوغریب (\*\*\*) و جاسوس پروری و بالاخره با مزدوران آدمکشی که شمارشان از جمله در "شرکت امنیتی بلاک واتر" به ۲۸ هزار نفر می رسد و برای تفریح، عابران را به گلوله می بندند (\*\*\*)، آیا عجیب است که مردم مقاومت کنند؟ آیا عجیب است که به هر خس و خاشاکی چنگ زنند؟ هر موجود زنده ای در برابر تجاوز به حیات و حیثیت اش واکنش نشان می دهد. آیا مردمی که مورد چنین حمله ای قرار گرفته اند حق ندارند برای نجات جان خود به هر وسیله ای، آری هر وسیله ای، علیه متجاوز دست بزنند؟ آمریکا و اروپا به نام تمدن و دموکراسی به جنایات جنگی و جنایات هایی علیه بشریت دست زده اند که تا امروز در تاریخ واقعا بی سابقه است. در روزهای نخست تهاجم تنها وزارت نفت در امان ماند، حتی ادارات صدور شناسنامه هم سوخت. صدها تن از دانشمندان عراق و استادان دانشگاه ها ترور شده اند. طی بمبارانهای چند سالهء آمریکا و انگلیس، حوزه های باستان شناسی بین النهرین که گهوارهء تمدن بشری بوده زیر و رو شده. آیا تعجب نمی کنید که همین دولتها که برای نابودی مجسمهء بودا توسط طالبان اینقدر سروصدا کردند خودشان برج تاریخی بابل را که بازسازی شده بود به گاراژ تانک ها بدل کرده اند؟ آیا تعجب نمی کنید که وقتی در دوران بایکوت سال های ۹۰ مردم عراق کوشیدند به خودکفایی غذائی دست یابند و آنقدر گندم کاشتند که کسی گرسنه نماند، آنوقت متمدن های آمریکایی و اروپایی سیلو را بمباران کردند؟ چقدر این نمونه ها فراوان است!

آیا نمی توان درک کرد که این مردم به جان آمده بر دموکراسی و لائیسیت و مدرنیته ای که این طور معرفی می شود، تف کنند؟ آیا باید بیایند از ما "کمونیست" های ناب (که در این تفسیرش از شعار اسلام ناب رژیم ایران چیزی کم ندارد)، از ما "دموکرات" هایی که موقتاً از حادثه دور مانده ایم و نمی کوشیم حتی دستی از دور بر آتش داشته باشیم بپرسند که چگونه مقاومت کنند؟! آیا باید بیایند گواهی حسن اخلاق و سلامت ایدئولوژیک از ما بگیرند تا مقاومتشان را "تأیید" کنیم؟ هر اشغالی دستاوردهای جامعهء مدنی را نابود می کند و مبارزهء نیروهای مترقی در جهت برقراری دموکراسی و لائیسیت و مدرنیته، و کلاً مبارزات اجتماعی را به امری ثانوی و لوکس تبدیل می کند. تردیدی نیست که نفوذ نیروهای ارتجاعی جمهوری اسلامی و القاعده هر دمکراتی را به مبارزه می طلبد، اما این امر به هیچ رو نمی تواند از اهمیت مبارزه با اشغالگران بکاهد. برآمد نیروهای ارتجاعی نمی تواند توجیهی برای

سکوت در برابر اشغال باشد. وقتی چپ‌ها، دموکرات‌ها از انجام وظایف خود سر باز زنند صحنه به دست نیروهای ارتجاعی می‌افتد. هرکس این را نمی‌خواهد باید آستین‌هایش را بالا بزند؛ این گوی و این میدان!

به نظر می‌رسد اگر جنایت‌های سرمایه‌داری جهانی که سلاح‌های کشتار جمعی و ویرانگر خود را روی سر ملت‌های فقیر و ستمدیده آزمایش می‌کند فجیع و غیرقابل تصور است، سکوتی هم که ما و امثال ما را چندین سال است فراگرفته به همان اندازه فجیع و غیر قابل تصور است. حیرت‌انگیز و فاجعه‌بار است که جهانی شدن سرمایه حتی ظلم و حق‌کشی و سکوت توطئه‌آمیز و ایرادهای بنی اسرائیلی در قبال مقاومت مردم عراق را نیز جهانی کرده است. پیش از تجاوز آمریکا به عراق، میلیون‌ها نفر در خیابان‌های جهان در اعتراض به جنگ، به خیابان‌ها ریختند، اما وقتی دیدند کسی گوش نمی‌دهد و حمله آغاز شد حیران شدند و غالباً دست روی دست گذاشتند. گویی وظیفه انسانی یا مبارزه ضد امپریالیستی تمام شد!

اسرائیل ۲۳ روز کشور کوچک لبنان را زیر ضربات وحشیانه خود قرار داد به طوری که تا سال‌های آینده نیز نه تنها ویرانی‌ها برجاست، بلکه بمب‌های خوشه‌ای که به مقیاس میلیونی در کوه و دشت و راه‌های لبنان پراکنده است همچنان دست و پای کودکان و زحمتکشانش را قطع خواهد کرد ولی کسانی که حاضر نبودند یک لحظه خود را به جای آنها قرار دهند با توجیه اینکه همه تقصیر حزب الله و رژیم ایران و القاعده و نیروهای مذهبی و غیره است، در دفاع از مقاومت برحق این مردم تردید کردند و از آن طفره رفتند. ما بی تفاوتی و بی اعتنائی به چیزی که "وجدان انسانی" می‌نامند را به جایی رساندیم که منتظریم تا آنها "رهبری طبقه کارگر" را بر مقاومتشان ثابت کنند تا ما عالیجنابان به حمایت از آنها یک تراکت ناقابل در یکی از شهرهای اروپا ... بدهیم و آنها را رهین منت خویش کنیم!

در هر مبارزه‌ای، حتی در هر کار پیچیده یا ساده‌ای جنبه‌های نادرست و انحرافی هم می‌توان یافت اما به تعبیر یک ضرب‌المثل فرانسوی "بچه را که نباید با آب کثیف لگن دور ریخت". دفاع از حق مردم عراق و هر ملت و جماعت دیگر در برابر اشغال، به هیچ رو به معنی تأیید مگس‌هایی که بر زخم نشسته‌اند و آن را می‌مکنند نیست. دفاع از حق مردم عراق که در معرض نابودی قرار دارند، محکوم کردن تجاوز آمریکا و متحدانش که فردا چه بسا شامل جاهای دیگر هم بشود ربطی ندارد به اینکه فلان باند ارتجاعی مقاومت را به نام خود تمام می‌کند و رسانه‌های جهانی آن را از سوی القاعده یا ناشی از تعصب دینی وانمود می‌کنند، زیرا این طور به سودشان است. اما ما چرا این را بی هیچ تأملی بپذیریم؟ وقتی این سکوت مرگبار توجیه‌گرانه بر ما حاکم است نه تنها از کمونیسم انقلابی و سوسیالیسم و دموکراسی، بلکه از همبستگی انسانی یا اومانیسم ساده هم بسیار دوریم. هستند کسانی که موضع نگرفتن و "به من چه" گفتن خود را چنین توجیه می‌کنند که خواست آمریکا در عراق و خاور میانه همین بوده و ضرری نکرده و با مشکل چندانی روبرو نیست، اما اگر این نظر را منطقی ندانیم تصدیق خواهیم کرد که آمریکایی‌ها حتی به تأیید وسیع خودشان در بن بست قرار دارند. آیا اگر مقاومت در اشکال گوناگون و قهرمانانه‌اش در عراق نبود، تجاوزگران با چنین بحرانی روبرو می‌شدند؟ اگر آنطور که آمریکایی‌ها انتظار داشتند با دسته گل مورد استقبال قرار گرفته بودند آیا تا کنون دو سه کشور دیگر را به همین روز سیاه نشانده بودند؟ نگارنده در آرش شماره ۹۰، ژانویه ۲۰۰۵ چنین نوشت: "آمریکا هرروز بیش از پیش در باطلاق فرو می‌رود، شبیه تجربه‌ی ویتنام، و روزی که زخمی و شکست خورده از آن خارج شود همه‌ی ملت‌های منطقه مدیون فداکاری‌های مردم عراق و سپاسگزار آنان خواهند بود. به هیچ بهانه‌ای نباید از حمایت از مقاومت مردم عراق شانه خالی کرد و نباید تحت تأثیر رسانه‌های «بی‌خبری و دروغ پردازی» قرار گرفت. از موضع چپ و دموکراتیک، می‌توان و باید با اصولگرایان مذهبی

مخالف بود ولی نمی‌توان با اصل مقاومت مخالفت کرد. (\*\*\*\*\*)

در روز جهانی اعتراض به مجازات اعدام و خواست لغو آن، همراه با محکوم کردن رژیم‌هایی مانند جمهوری اسلامی که در این نوع سرکوب نیز گوی سبقت را ربوده، تجاوز آمریکا و اعدام يك ملت و نسل‌کشی در عراق و فلسطین و افغانستان (هر منشأ و بهانه‌ای که داشته باشد) را محکوم کنیم. سکوت ناشی از تردیدهای نابجا را که تحت تأثیر تبلیغات جهانی امپریالیستی و دوری از میدان مبارزه بر ما چیره شده بشکنیم. خوشبختانه توده‌های ستمدیده درهرجا به مبارزه‌ای که متعلق به خودشان است ادامه می‌دهند و منتظر اجازه کسی نمی‌مانند.

۱۰ اکتبر ۲۰۰۷

\*\*\*\*\*

(\*). رك. به: <http://www.peykarandeesh.org/article/DoSanad.html>

(\*\*) آلن گرینسپان رئیس پیشین خزانه داری فدرال آمریکا می‌گوید: متأسفم که به مصلحت نیست به چیزی اعتراف کنم که همه می‌دانند و آن اینکه جنگ عراق عمدتاً به خاطر نفت است (مجله آفریکازی، اکتبر ۲۰۰۷ [www.afrique-asie.fr](http://www.afrique-asie.fr)).

(\*\*\*) به سخنان جیمی کارتر در مصاحبه با CNN ۱۰ اکتبر ۲۰۰۷ توجه کنید.

(\*\*\*\*) رك. به گزارش مفصل لوموند ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۷.

این گزارش تحت عنوان "هفت تیر کش‌ها در بغداد" اینطور شروع می‌شود:

"خوب بچه‌ها راه بیفتیم. من امروز می‌خواهم یکی را بکشم.

– عجب، چرا امروز؟

– هه! هه! فردا مرخصی دارم. دیر میشه. ..."

"یک شرکت نظامی خصوصی آمریکایی به نام بلاک واتر تا کنون ۲۸ غیرنظامی عراقی را کشته است. ۴۸ هزار سرباز پیمانی (موقت) در مصونیت کامل به چپاول عراق مشغول اند."

(\*\*\*\*) رك. به: <http://www.peykarandeesh.org/felestin/MoghavematDarEragh.html>